

جامعه‌شناسی تطبیقی راهبری گروه‌های مرجع در بساخت کیفیت زندگی و رفاه شهری

سیما ناظری*، اصغر مهاجری**، حمید انصاری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۳۰

چکیده

با رویکرد بین رشته‌ای، سهم عامل راهبردی "راهبری گروه‌های مرجع را در بساخت کیفیت زندگی در قلمرو پژوهشی مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران در سال ۱۳۹۹"، سنجش کردیم. با بهره‌مندی از رویکرد نظری تلفیقی و روش ترکیبی هم‌زمان؛ با روش کمی، ۳۱۵ خانوار را به شیوه‌های نمونه‌گیری خوشه فضایی و *G power* از جامعه آماری پژوهش، انتخاب، پیمایش و با روش‌های کیفی (مصاحبه، مشاهده و فوکوس گروپ) بررسی‌های پویایی را انجام دادیم تا واریانس کیفیت زندگی ساکنان مناطق مزبور را توصیف و نقش گروه‌های مرجع را در بساخت آن تبیین نماییم. یافته‌ها نشان می‌دهد، اولویت ساکنان محله هاشمی (منطقه ۱۰) در انتخاب گروه‌های مرجع، اجتماعی و مذهبی و محله یافت‌آباد (منطقه ۱۷) اقتصادی و مدنی است. میانگین کیفیت زندگی این دو محله به دلیل تفاوت گروه‌های مرجع‌شان، تفاوت معنی‌داری دارند. از طرفی ساکنان محله‌های پژوهشی که براساس متغیرهای زمینه، زیستی و ارتباطی‌شان، گروه مرجع خویش را انتخاب کردند، ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی‌شان را براساس معیارها و قضاوت‌های گروه‌های مرجع‌شان در سطح کنشی تعریف و بساخت می‌کنند. از طرف دیگر گروه‌های مرجع به عنوان یک خرده نظام در تعامل با نظام مدیریت شهری در برنامه‌ریزی‌های رفاهی در سطح ساختاری در بساخت کیفیت زندگی محله‌ها تأثیر می‌گذارند.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، بساخت، برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، فضای شهری، کیفیت زندگی، گروه مرجع

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
nazery_sima@yahoo.com
** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
asgharmohajeri@yahoo.com
*** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
hansari@ut.ac.ir

مقدمه

"کیفیت زندگی"^۱ شهرنشینان از عامل‌های مهم میزان توسعه یافتگی شهر امروزی است. این عامل از یک طرف نشانگر کیفیت کالبدی و فضای جغرافیایی شهر و از طرف دیگر بیانگر میزان توسعه‌یافتگی مناسبات اجتماعی شهر براساس برنامه‌ریزی رفاه پایه و میزان رضایت شهرنشینان، نوع و میزان پخش فضایی آسیب‌های شهری و از همه مهم‌تر، سرزندگی و طروات حیات شهری در شهر امروزی هست. سنجش کیفیت زندگی شهری مهم و تبیین آن بسیار مهم‌تر می‌باشد، چون که شهر در جهان امروزی به عنوان اصلی‌ترین محل زندگی انسان و مرکز پیدایش و اعتلای فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است. "در این میان در اکثر شهرهای پرجمعیت جوامع در حال توسعه، رشد کمی بر ارتقاء کیفیت زندگی مردم پیشی گرفته و این امر به پیدایش و افزایش روزافزون انواع مسائل و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دامن زده است" (رضازاده قرشی، ۱۳۹۴: ۴۸).

کیفیت زندگی به‌ویژه بُعد ذهنی آن بازنمایی ذهن، فکر، معرفت، توان دانشی، توان باوری و به عبارت دیگر فرهنگ شهرنشینان است و نشان از تغییر در باورهای فرهنگی و اجتماعی دارد که این تغییر باورها تحت تأثیر و رهبری گروه‌های مرجع قلمرو زندگی‌شان تولید، بازتولید، راهبری و برساخت می‌شود. بر همین اساس گروه‌های مرجع به صورت "گروه‌های اجتماعی"^۲ راهبر از طریق تأثیر بر برنامه‌ریزی فضای شهری و از طریق تغییر ذائقه و الگوهای شهروندان پیرو در برساخت کیفیت زندگی شهری نقش مؤثری دارند. به عنوان مثال ساکنان محله‌های پژوهش (هاشمی و یافت‌آباد) به عنوان نمونه‌های جامعه آماری پژوهش حاضر، تا حدود زیادی کنش‌ها و رفتارهای‌شان را از گروه‌های مرجع بزرگ و فعال منطقه و محله‌شان، الگو می‌گیرند و همچنین کالبد شهری، برنامه‌ریزی رفاه شهری و کیفیت زندگی‌شان تحت تأثیر

1. Quality of Life
2. Community group

جامعه‌شناسی تطبیقی راهبری گروه‌های مرجع در ... ۳

چارچوب فکری گروه‌های مرجع محله‌شان شکل می‌گیرد. چرا که این "گروه مرجع"^۱ است که به افراد پیرو و عضو، منزلت اجتماعی، الگوی رفتاری و حتی اتخاذ تصمیمات راهبردی به مدیران برای برنامه‌ریزی شهری می‌دهد.

به تعبیر "مکتب کنش متقابل نمادی"^۲ جهان اجتماعی (بُعد ذهنی کیفیت زندگی) ترجمان جهان ذهنی و تفسیری و به عبارتی جهان فرهنگی (در این پژوهش باورهای فرهنگی تحت تأثیر گروه‌های مرجع) است که به طور مستمر تولید و بازتولید می‌شود. از طرف دیگر، ساختار فضای کالبدی و رفاهی شهر، ساحت‌ها و فضای مناسبات اجتماعی و مهم‌تر از آن بُعد عینی کیفیت زندگی، تحت تأثیر و راهبری راهبردی گروه‌های مرجع، طراحی، برنامه‌ریزی و ممکن می‌شود. از این‌روی پرسش بنیادی این است که گروه‌های مرجع، در برساخت کیفیت زندگی شهرنشین امروزی چه میزان و چگونه مؤثر می‌شوند و چرا محله‌های شهری در کیفیت زندگی و رفاه شهری متفاوت هستند؟

مشاهدات میدانی پژوهشگر و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که کیفیت زندگی در دامنه و قلمرو پژوهش حاضر، دچار مسئله شده و بین مطلوب‌های کیفیت زندگی و رفاه شهری و واقعیت‌های آن، تعارض، تضاد و ناسازگاری وجود دارد و این امر موجب شده است که جامعه آماری پژوهش دچار تنش شود و بسیاری از نابسامانی‌های کالبدی و اجتماعی در قالب آسیب‌های شهری در آن تجلی نماید. این وضعیت در اکثر جوامع شهری مشابه، با وضعیت جامعه آماری پژوهش حاضر، مشاهده می‌شود و یافته‌های پژوهشی بسیاری از پژوهشگران این حوزه، شواهد و مستندات دال بر این مدعا را نشان می‌دهند.

براساس نتایج پژوهش کوکبی (۱۳۸۴) در پهنه مرکزی شهر خرم‌آباد کیفیت زندگی در سطح پایینی است. همچنین مطالعه نجات (۱۳۸۷: ۵۷) در زمینه اندازه‌گیری کیفیت زندگی، زبردست و دیگران (۱۳۸۸: ۱۱۵) در خصوص بافت شهری و منطقه‌ای،

-
1. Group de refrence
 2. Symbolic Interaction

حاجی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۵: ۱۶۷) در ارتباط با نابرابری‌های کیفیت زندگی در محله‌های شهری، بررسی‌های پورطاهری و دیگران (۱۳۹۰، ۱۳) در خصوص ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مطالعات خادم‌الحسینی و دیگران (۱۳۸۹: ۴۵) مرتبط با سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری و پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱: ۲۱) در زمینه طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری، شمعی و دیگران (۱۳۹۶: ۳۵۷) در خصوص ارزیابی کیفیت زندگی در مناطق شهری، مطالعات زنگنه شهرکی و دیگران (۱۳۹۳: ۱۷۷) در خصوص تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه کلان‌شهری، مطالعات شاه‌حسینی و توکلی (۱۳۹۳: ۱۲۷) در ارتباط با بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی شهری، همچنین مطالعات بحرینی و طیبیان (۱۳۷۵: ۴۱) و سیروس‌صبری (۱۳۷۸: ۵۸)، پاکزاد (۱۳۸۱: ۶)، بهرامی‌نژاد (۱۳۸۲)، عباس‌زادگان و رضوی (۱۳۸۵: ۱۵)، رفیعیان (۱۳۹۱: ۳۳) در زمینه سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی و ... نشان می‌دهند که نقش عامل‌های مهم مؤثر بر کیفیت زندگی شهرنشینان کدامند؟ و چگونه و چه میزان عوامل کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و گروه‌های مرجع در برنامه‌ریزی شهری، ارائه خدمات رفاهی و بر ساخت کیفیت زندگی شهرهای امروزی مؤثر می‌باشند.

از اهمیت و ضرورت پژوهش و نوشتار حاضر بر خلاف اکثر پژوهش‌های انجام شده در ایران و شهر تهران که کیفیت زندگی را به صورت تک‌عاملی و از منظرهای صرفاً کالبدی (معماری و مهندسی)، برنامه‌ریزی شهری (شهرسازی)، برنامه‌ریزی اجتماعی و مسائل شهری (جامعه‌شناسی شهری)، آسیب‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی مسائل و...)، پژوهش و بررسی کردند، این است که به عنوان اولین پژوهش در ایران می‌خواهد مسئله و موضوع مزبور را در ساحت کلی و چند عاملی و از منظر جامعه‌شناسی گروه‌ها و در سطوح ساختاری و کنشی، بررسی و پژوهش کند و سهم گروه‌های مرجع را در کیفیت زندگی سنجش نماید و سپس تعیین کند که چگونه ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی در فضای شهری محله‌های مناطق ۱۰ و ۱۷ کلان‌شهر تهران مؤثر هستند.

چارچوب مفهومی

ماهیت موضوع علمی حاضر که سهم و نوع تأثیر گروه‌های مرجع را از طریق فضای شهری بر کیفیت زندگی شهرنشینان بررسی می‌کند، به لحاظ پارادایم فکری، چارچوب نظری و مدل مفهومی، براساس ماهیت بین رشته‌ای، وام‌دار حوزه‌های مختلف دانشی مانند برنامه‌ریزی اجتماعی و شهری، جامعه‌شناسی گروه‌ها، شهری و فرهنگی می‌باشد. کیفیت زندگی از زوایای نظری و بینشی مختلفی بررسی می‌شود تا رویکردهای اصلی در مورد آن مشخص و از طرف دیگر، عامل‌های تشکیل دهنده مدل مفهومی که متکثر، پیچیده و چند سطحی‌اند، تعیین شوند.

نظریه‌پردازانی چون "هیمن"^۱ و "فستینگر"^۲ معتقدند، پایگاه ذهنی افراد، یعنی پایگاهی که شخص تصور می‌کند که به آن تعلق دارد، به طور حتم از عواملی مانند درآمد و تربیت ناشی نمی‌شود، بلکه تا حدودی به گروه‌های اجتماعی بستگی دارد که به عنوان "چارچوب مرجع"^۳ انتخاب شده‌اند (هیمن و فستینگر، ۱۹۶۸: ۴). به عنوان مثال ساکنان محله‌های پژوهش (هاشمی و یافت‌آباد) تا حدود زیادی کنش‌ها و رفتارهای‌شان را از گروه‌های مرجع بزرگ و فعال منطقه و محله‌شان، الگو می‌گیرند و کیفیت زندگی‌شان تحت تأثیر چارچوب‌های گروه‌های مرجع محله‌شان می‌باشد.

به اعتقاد هربرت مید، فرد و "چارلز هورتن کولی"^۴، گروه اجتماعی خودش را به عنوان یک مجموعه سازمان یافته از گرایش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها (نظام معیارین)^۵ و هدف‌هایی که به رفتار او و دیگری شکل می‌دهد، انتخاب می‌کند. براساس نظریه "سولیوان"^۶ که اندیشه "کولی"^۷ و "مید"^۸ را از نو با این بحث مطرح می‌کند که با

-
1. Hyman
 2. Leon Fastinger
 3. Reference framework
 4. Charles Horton Cooley
 5. System of criteria
 6. Harry Stack Sullivan
 7. Charles Horton Cooley
 8. George Herbert Mead

معنی بودن "دیگران"^۱ نوعی انتخاب در شناسایی، با آن دسته از دیگران است که کنشگر با آنان در تماس است. با این حال تفکیک کننده نفوذ و کنترل اجتماعی بر روی فرد در حال کنش (ساکنان محله‌های پژوهش)، از طریق به کارگیری گروه مرجع به صورتی متمایز از "گروه عضویت"^۲ هست (گولد و کولب،^۳ ۱۳۹۲: ۷۱۹). این نظرمید درباره "دیگری تعمیم یافته"^۴ با حوزه نظری دیگری که ارتباط نزدیکی به بحث گروه مرجع دارد هم‌خوانی دارد.

"رابرت کی مرتن"^۵ بر این موضوع تأکید می‌کند که انسان‌ها در رفتارها و ارزیابی‌های خود، جهت‌گیری‌های‌شان را متناسب با گروه‌هایی که به عنوان چارچوب مرجع برمی‌گزینند، تنظیم می‌کنند. مرتن و "الیس س. کیت"^۶ درباره گروه‌های مرجع اذعان می‌دارند که بسیاری از حوزه‌های رفتار اجتماعی در جوامع ناهمگن از این رو اهمیت دارد که مشاهده می‌شود انسان‌ها رفتار خود را با توجه به گروه‌های عضویت و غیرعضویت، شکل و جهت می‌دهند (کوزر و روزنبرگ،^۷ ۱۳۷۸: ۲۵۲).

به طور کلی دو پرسش مهم نظری در مورد انتخاب گروه مرجع وجود دارد؛ در مرحله اول، این که آیا فرد گروه مرجع خود را از میان گروه‌های تعلق یا از گروه‌هایی که بدان‌ها تعلق ندارد، انتخاب می‌کند؟ و در مرحله دوم، چه چیزی انتخاب گروه مرجع را در بین چندین گروه مناسب در وضعیت معین دیکته می‌نماید؟ "دوچ و کراس"^۸ معتقدند، مرتن با تحلیل چهار عامل می‌کوشد به پرسش‌های یادشده پاسخ دهد؛ ۱. انتخاب شدن گروه مرجع، که بتواند حیثیت بیشتری برای فرد تأمین کند. ۲. احتمال انتخاب گروه مرجع که فرد به آن تعلق ندارد، ۳. احتمال انتخاب شدن

-
1. Others
 2. Membership Group
 3. Gould, Julius, Kolb, William
 4. Another generalized
 5. Robert. K. Merton
 6. Alice S. kit
 7. Coser, Lewis Alfred & Rosenberg, Bernard
 8. Deutsch, Morton & Krauss Robert M

گروه‌هایی که فرد بدان‌ها تعلق ندارد در جوامعی با نرخ تحرک اجتماعی بالا، این مورد بیشتر است. ۴. متغیرهای زمینه فرد نیز در پذیرش و گرایش او به گروه مرجع مؤثر است. "تاموتسو شیبوتانی"^۱ صاحب‌نظر مشهور گروه‌های مرجع، هم با نظریه مزبور موافق است (سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۸ و ۱۵۹).

"مارانس"^۲ برای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در شهرها، دو رویکرد اساسی را معرفی می‌کند: نخستین رویکرد عینی، شامل برنامه‌ریزی رفاه پایه و نظارت بر کیفیت زندگی شهری از طریق مجموعه‌ای از شاخص‌های (بیشتر اوقات) مشتق از داده‌های فضایی جمع شده از منابع اداری مانند سرشماری است که از کیفیت زندگی ادراک شدند (به عنوان مثال سطح درآمد خانواده، میزان جرم، سطوح آلودگی، هزینه مسکن و غیره). دومین رویکرد شامل مدل‌سازی روابط میان ویژه‌گی‌های محیط شهری و اندازه‌گیری ارزیابی ذهنی از قلمرو کیفیت زندگی مردم که شامل رضایت‌مندی از پدیده‌های خاص و از زندگی به عنوان یک کل است (Maran, 2011: 2).

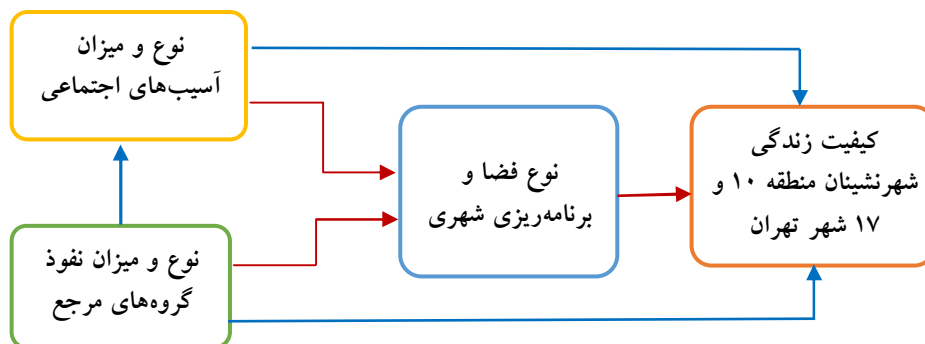
در رویکرد تبیینی، دغدغه اصلی سنجش میزان کیفیت زندگی با توجه به عوامل مؤثر بر آن اعم از عوامل عینی و ذهنی می‌باشد (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۱: ۴۳). از این روی در سنجش کیفیت زندگی دو رویکرد عاملیت‌گرا و ساختارگرا هم وجود دارد. رویکرد عاملیت‌گرا به طور عام مبتنی بر فردگرایی روش‌شناختی است و جامعه را به‌عنوان جمع جبری افراد، مورد توجه قرار می‌دهد. بر عکس در رویکرد ساختارگرا نسبت به رویکرد عاملیتی از دو ویژگی متمایز برخوردار است: اول آن که مفهومی کامل و فراگیر از کیفیت زندگی ارائه می‌دهند که تمامی حوزه‌هایی که در بهبود کیفیت زندگی مؤثرند را در برمی‌گیرد و دوم آن که بر جامعه به عنوان یک کلیت تمرکز دارند. به عنوان مثال در تعریف فضا و برنامه‌ریزی شهری، هم به کالبد و جغرافیا، هم به مناسبات اجتماعی درون آن و هم به فرد براساس بینش نظری تلفیقی سطوح خرد و

1. Tamotsu Shibotani
2. Marans

کلان توجه دارد. "برنارد برگر"^۱، "اشمیت"^۲ و "نول"^۳ از جمله مروجین این رویکرد هستند (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰: ۴۱).

در یک جمع‌بندی نظری و براساس رویکرد سوم ترکیب دو رویکرد یاد شده دید جامع‌تری در رابطه با کیفیت زندگی مطرح می‌کند. از نظر "فرانس"^۴ از طرفداران این رویکرد، از لحاظ مفهومی، کیفیت زندگی، ادراک فرد از رفاه خود و جامعه است و اگر درک فرد از کیفیت زندگی‌اش کاهش یابد، سایر ویژگی‌های او تحت تأثیر قرار گرفته و باعث تقلیل آن‌ها و در نهایت کیفیت زندگی افت پیدا می‌کند. توجه روزافزون به کیفیت زندگی به عنوان سازه‌ای ترکیبی باعث شده که بر تعداد قلمرو یا حوزه‌های مطالعاتی این سازه افزوده شود. لی^۵ (۲۰۰۸: ۱۲۱۰) معتقد است که سه حوزه کالبدی، اجتماعی و اقتصادی (در نوشتار حاضر، فضای شهری) سه ستون اصلی کیفیت زندگی هستند که می‌توانند برای تشخیص مفهوم زندگی مناسب و پایدار و همچنین برای توضیح معنای کیفیت زندگی مورد استفاده قرار گیرند. "بونک"^۶ (۲۰۰۷: ۱۸۹) هم سه حوزه مهم که به بررسی کیفیت زندگی می‌پردازند را شامل روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد می‌داند. روانشناسی ویژه‌گی‌های شخصیتی را بر رفاه و "به‌زیستی ذهنی"^۷ مؤثر می‌داند. جامعه‌شناسی بر نقش الگوها و عوامل اجتماعی و جمعیتی بر رفاه و به‌زیستی ذهنی تأکید دارد.

-
1. Bernard Berger
 2. Schmitt
 3. Noll
 4. France
 5. Lee, yung- Jaan
 6. Bonke, p
 7. Mental well-being



شکل ۱- مدل مفهومی - علی پژوهش (منبع: پژوهشگر)

- با توجه به ماهیت نظری تلفیقی و رویکرد بین رشته‌ای آن که در مدل مفهومی - علی، طراحی و سنجش شده است، فرضیه‌های زیر تدوین و سنجش می‌شوند.
- ۱- بین متغیرهای زمینه افراد و انتخاب نوع گروه مرجع آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 - ۲- بین میزان نفوذ گروه‌های مرجع در محله‌های پژوهش و کیفیت زندگی و رفاه شهری ساکنان آن رابطه وجود دارد.
 - ۳- گروه‌های مرجع در محله، از طریق عامل برنامه‌ریزی در ساخت فضای شهری، کیفیت زندگی و رفاه شهری ساکنان محله را تعیین می‌کنند.

روش تحقیق

به حکم معرفت‌شناسی روشی، روش پژوهش حاضر از نوع "ترکیبی هم‌زمان" و متوالی است. به عبارت دیگر براساس ساختار پرسش‌های پژوهش و برای کشف واقعیت‌ها، ظرفیت‌های مرتبط با موضوع و فرضیه‌های پژوهش در جامعه آماری

پژوهش، از یک طرف با چراغ رویکرد استقرایی و با بهره‌مندی از روش‌های کیفی و مطالعات پویشی، به کشف این واقعیت‌ها پرداختیم و از طرف دیگر با توجه به مدل مفهومی، چارچوب نظری، براساس رویکرد قیاسی و در قالب روش‌های کمی "مطالعات پیمایشی"^۱، فرضیه‌های پژوهش را آزمون کردیم، از این روی روش‌های پژوهش حاضر "ترکیبی"^۲ از انواع هم‌زمان و متوالی است.

وضعیت فضای شهری به شیوه‌های روش میدانی مانند مشاهده و تصویربرداری تعریف و تدقیق شد، از طرف دیگر، توزیع جغرافیایی گروه‌های مرجع و رتبه آن‌ها به شیوه‌ها و تکنیک‌های رتبه‌بندی، مشخص و به شیوه مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساخته در جامعه آماری تعیین شد. از این روی به ضرورت، نیازمند استفاده و بهره‌مندی از روش‌های کیفی بودیم و برای همین از ابزارهای گردآوری داده‌ها، شیوه‌ها و فنون مرتبط با این روش‌ها استفاده نمودیم و همچنین در جستجوی وجود/عدم وجود برخی متغیرهای عمده و مؤثر جمعیتی در ساحت و ساختار جامعه آماری پژوهش، از روش‌های کیفی دیگر که اسنادی (گزارش‌های مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۵ و یا سایر گزارش‌های آماری سازمان‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تهران) می‌باشد، به ضرورت در پژوهش مزبور استفاده شده است. برای فرض‌آزمایی هم از روش پیمایشی بهره جستیم.

برای انتخاب نمونه‌ها، تعمیم یافته‌ها، مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران را به عنوان جامعه آماری انتخاب و به شرح زیر معرفی می‌کنیم. یکی از دو منطقه جامعه آماری پژوهش حاضر، محله هاشمی است که در ناحیه ۲ و جنوب منطقه ۱۰ شهرداری شهر تهران قرار دارد که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای- فضایی و تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شده است. این محله از شمال به خیابان هاشمی، از جنوب به خیابان کمیل، از شرق به خیابان جیحون و از غرب به بزرگراه یادگار امام

-
1. Survey Studies
 2. hybrid

منتهی می‌شود. این منطقه گلوگاه و گذر شریان‌های شرقی - غربی و شمالی - جنوبی است و با وجود ۳ پادگان بزرگ در همجواری منطقه شامل پادگان حر در شرق، جی در غرب و قلعه‌مرغی در جنوب که این منطقه را به نوعی از نظامی‌ترین مناطق تهران و از طرف دیگر با بیش از ۶۰ درصد بافت فرسوده (۴۵۰ هکتار که ۲۵۰ هکتار آن بافت فرسوده شدید می‌باشد) و تراکم ناخالص جمعیتی حدود ۴۰۰ نفر در هر هکتار است و از فرسوده‌ترین و پر تراکم‌ترین مناطق شهر تهران است که به این منطقه موقعیت استراتژیک / راهبردی و در برخی موارد بحرانی می‌دهد (مهاجری، ۱۳۹۷: ۱۲۲).^۱

دومین منطقه جامعه آماری پژوهش حاضر، محله یافت‌آباد واقع در منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران می‌باشد، که بیش‌ترین جمعیت را در بین محله‌های این منطقه دارد (همانند محله هاشمی در منطقه ۱۰) و براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای - فضایی و تصادفی ساده به عنوان محله و جمعیت نمونه پژوهش انتخاب شده است. پس از نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای، محله‌های جامعه آماری پژوهش به شیوه تصادفی ساده انتخاب و سپس با توجه به این که ملاک سنجش و تحلیل واحد پژوهش، واحد خانوار بود از طریق بلوک‌های ساختمانی و به شیوه نمونه‌گیری $G\ power^2$ به آن‌ها مراجعه شد. برای تلیخیص مجموع مباحث روشی پژوهش حاضر، آنرا در قالب جدول شماره ۳، تجمیع، تدوین و ارائه می‌نماییم.

۱- تمام اطلاعات جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، راهبردی، فرهنگی و ... پژوهش حاضر در موضوع مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران، از گزارش مطالعات و ارزیابی اجتماعی و فرهنگی که توسط اصغر مهاجری که با همکاری شرکت مهندسین هگزا و نظارت پژوهشکده هنر و معماری دانشگاه تهران برای پیوست توسعه و ادامه بزرگراه یادگار امام جنوب، انجام گرفته است، بهره‌برداری شده است.

۲- با توجه به این که استفاده از روش‌های رایج تعیین حجم نمونه مانند فرمول کوکران، حجم نمونه بسیار بزرگ می‌شود (هر محله حدوداً ۴۰۰ نفر) و اجرای پیمایش از توان اجرایی و مالی خارج شود، در نتیجه از این نرم‌افزار برای تعیین نمونه کوچک‌تر و قابل اتکا استفاده شده است. با این نرم‌افزار، قدرت آماری مورد نیاز برای تحلیل داده‌ها، براساس آزمون آماری برای مقایسه دو گروه و اندازه اثر یا بزرگی تفاوت میانگین بین گروه‌های نمونه، حجم نمونه تعیین شده است.

با توجه به ترکیبی بودن روش پژوهش، در روش کیفی از شیوه‌های گردآوری داده‌هایی مانند مشاهده (مشاهدات پژوهشگر، عکاسی و فیلم‌برداری)، مصاحبه عمیق با اهالی محله و به‌ویژه اجرای "گروه متمرکز"^۱ برای تعریف مفاهیم مرتبط با عامل‌های پژوهش از جمله گونه‌شناسی گروه‌های مرجع، گونه‌شناسی و رتبه‌بندی آسیب‌های اجتماعی، گونه‌شناسی مشکلات و نیازهای محله‌ها و... استفاده، که براساس قواعد حاکم در سنجش روایی ابزارها و داده‌های مرتبط به این قسمت، به طور عموم از شیوه خبره‌گی و اشباع پژوهشگر بهره برده شده است.

براساس اصول روش کمی و به‌ویژه روش پیمایش، ابزار گردآوری داده‌های کمی، پرسشنامه پژوهشگر ساخته، است و روایی آن علاوه بر بهره‌مندی از شیوه خبره‌گی (نظر اعضای گروه متمرکز و استادان راهنما و مشاور)، در مرحله پیش‌آزمون^۲، به تفکیک خوشه‌های پرسش‌ها، آلفا کرونباخ آن محاسبه و میانگین آلفای آن‌ها، ۸۸ درصد می‌باشد.

جدول ۱- توزیع رویکردها، روش‌ها، ابزارهای گردآوری داده‌ها و روایی آن‌ها، جوامع آماری،

شیوه نمونه‌گیری و جمعیت نمونه‌ها، براساس عامل‌های پژوهش

هدف	جامعه آماری و نمونه		رویکردها، روش‌ها، ابزارها و روایی				
	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	جامعه آماری	روایی	ابزار گردآوری	روش	رویکرد
کیفی	۱۶ نفر پرسش‌های پژوهش	هدف‌مند، فضایی، گلوله برفی و ...	متخصصان، گروه‌های مختلف اهالی محله‌های پژوهش و ...	خبره‌گی و اشباع پژوهشگر	پرسشنامه، فیش‌نامه و مشاهده نامه‌ها	فوکوس‌گروپ‌ها، مصاحبه‌ها، مشاهدات و ...	
کمی	۳۱۵ خانوار پرسش‌های پژوهش	طبقه خوشه و سپس G.power	گروه‌ها، صنوف و شهرنشینان محله‌های پژوهش	خبره‌گی و آلفای کرونباخ (۰/۸۸)	پرسشنامه	پیمایش و خرده پیمایش‌ها	

1. Focuc Group
2. Pre Test

تحلیل یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

۱- سیمای کالبدی و فضای شهری جامعه آماری و تحلیل تطبیقی

یافته‌های میدانی پژوهش (مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها) و نتایج برخی از "خرده پیمایش"ها نشان می‌دهد که فضای کالبدی محله هاشمی نه تنها شرایط را برای رفاه و خدمات مطلوب شهری فراهم نکرده است بلکه شرایط را برای بروز و ظهور آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌سازد. ساختارهای کالبدی آن به نحوی است که از طریق ساختار میدان‌ها و مدل‌های مختلف موجب شیوع این آسیب‌ها و ناامنی‌ها می‌شود. برنامه‌ریزی و طراحی خیابان‌ها، کوچه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، مکان‌های عمومی مانند حمام‌های عمومی و... موجب شیوع مدل‌های ناامنی از جمله توزیع مواد مخدر، مصرف آن و... است. برنامه‌ریزی نامناسب برای شریان‌های ترافیکی، تراکم آمد و شد اتومبیل‌ها بسیار زیاد است. بافت‌های فرسوده، پیاده‌روها، بوستان‌ها، توزیع مراکز خدماتی، بسیار نامناسب می‌باشد.

این محله با بافت فرسوده، ترافیک ناموزن، فضاهای بی‌دفاع شهری از محله‌های پرخطر شهر تهران محسوب می‌شود. با توجه به بافت جمعیتی، ساختار این محله به طور عمده مذهبی و سنتی است. سرانه زمین مسکونی ۱۲ متر مربع در مقابل ۲۳/۱ متر مربع در سطح تهران، سرانه زیربنای مسکونی ۱۶ متر مربع در مقابل ۲۴/۲ متر مربع شهر تهران، نسبت ساختمان‌های با اسکلت آجر و آهن ۷۰ درصد در مقابل ۴۱/۶ درصد در سطح تهران، نسبت ساختمان‌های با اسکلت فلزی و بتونی ۲۰ درصد در مقابل ۵۲ درصد در سطح تهران، میانگین مساحت ۸۹ متر مربع در مقابل ۲۲۳ متر مربع در سطح تهران، نسبت ساختمان‌های با دوام ۱۱/۵ درصد در مقابل ۲۹/۱ درصد در سطح تهران و وسعت بافت فرسوده ۳۹ هکتار می‌باشد.

برخلاف محله هاشمی، نوع بافت محله یافت‌آباد تجاری و مسکونی است. این محله از نظر مراکز خرید، بورس مبیل ایران و تهران است و دارای بزرگ‌ترین و با کیفیت‌ترین بازار مبیل و صنایع چوبی در ایران می‌باشد که در این منطقه و محله بزرگ‌ترین بازارها و پاساژهای مبیل و صنایع چوبی را مشاهده می‌کنیم. گروه‌های مرجع اقتصادی فعال در این محله از طریق تأثیرگذاری بر فضای کالبدی و برنامه‌ریزی رفاهی محله در برساخت کیفیت زندگی ساکنان آن محله بسیار مؤثر هستند.

براساس تطبیق و مقایسه یافته‌های پیمایشی پژوهش (پیمایش اصلی و خرده پیمایش‌ها) و یافته‌های پویایی پژوهش (مشاهدات و مصاحبه‌ها) وضعیت حوزه و دامنه فراگیر جامعه آماری پژوهش و سایر محله‌های جامعه آماری (برون خوشه‌ها) و محله‌های نمونه پژوهش (درون خوشه‌های پژوهش) موارد زیر بسیار محسوس و قابل تأمل می‌باشند:^۱

۱- ساکنان محله یافت‌آباد مستاجرترین هستند، چون که محله‌های منطقه ۱۰ شهرداری شهر تهران و به‌ویژه محله هاشمی با ۷۴ درصد بیش‌ترین و منطقه ۱۷ با حدود ۵۰ درصد کمترین میزان مالکیت بر املاک‌شان را دارند.

۲- ساختار قومی و فرهنگی محله‌ها بسیار قابل تأمل است. هر چند اکثر شهروندان این مناطق و محله‌ها، دارای منشأ شهرستانی و به طور عموم غیرتهرانی هستند ولی تنوع فرهنگی و قومی آن‌ها هم قابل تأمل است. محله‌های یافت‌آباد و هاشمی با ۵۷ درصد و ۳۵ درصد گویش آذری، بیشترین تمایزات زبانی و فرهنگ قومی را دارا می‌باشند.

۳- محله‌های منطقه ۱۰ شهرداری شهر تهران به طور عمده مهاجران فرا ملی/ خارجی، فرا شهری/ شهرستانی و محله‌های منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران به طور

۱- در پژوهش حاضر، برای تطبیق یافته‌ها و ... از یافته‌های پژوهشی سایر پژوهش‌ها و ... مانند: یافته‌های اسنادی آمار تفصیلی سرشماری ۱۳۹۵، گزارش مهندسین مشاور هگزا، سایت‌های مدیریت شهری و گزارش شهر دوست‌دار کودک، هم بهره بردیم.

عموم کارگران فرا منطقه‌ای هستند که این نوع مهاجرت و الگوی جابه‌جایی موجب شده است که افراد از طریق این منطقه از مناطق پایین دست شهر برای مهاجرت به مناطق بالای شهری و یا بالعکس عمل کنند.

۴- وضعیت ساختمان جمعیت در حوزه دامنه بلافصل و فراگیر جامعه آماری با باورهای فرهنگی سنتی، قوم مدارانه، مهاجرپذیر با آسیب‌های اجتماعی هم‌خوانی دارد. از این روی سن سرپرستان خانواده محله هاشمی با میانگین حدود ۵۵ سال، جنسیتشان با میانگین ۸۷ درصد مرد و تحصیلاتشان با میانگین ۸ کلاس سواد، محل تولد ۵۹ درصد تهرانی، قوم و گویش آذری حدود ۳۵ درصد و ... بسیار متفاوت از محله یافت‌آباد می‌باشد و واریانس‌های قابل تأملی دارند. سن سرپرستان خانوار محله یافت‌آباد با میانگین ۴۷ سال سن، با ۸۹ درصد مرد، تحصیلات ۸ و نیم کلاس، اشتغال حدود ۷۱ درصد، قوم و گویش آذری با حدود ۵۷ درصد، محل تولد حدود ۵۰ درصد تهرانی و ... بسیار متفاوت از محله هاشمی می‌باشد.

۵- میزان اشتغال محله‌های مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران نیز متفاوت می‌باشد، به طوری که در منطقه ۱۰، محله هاشمی حدود ۴۷ درصد کمترین و برای منطقه ۱۷، محله یافت‌آباد حدود ۷۱ درصد بیش‌تر می‌باشد.

۶- میانگین قدمت بنای محله‌های مناطق ۱۷ و ۱۰ شهرداری شهر تهران متفاوت و واریانس بیشتری دارند. محله هاشمی با حدود ۳۳ سال بسیار فرسوده و محله یافت‌آباد با ۱۸ سال نوسازتر است.

۷- وضعیت رفاهی و کیفیت زندگی هر دو محله از میانگین کیفیت زندگی شهر تهران پایین‌تر است اما در بررسی مقایسه، وضعیت کیفیت زندگی در محله یافت‌آباد (منطقه ۱۷) بهتر از محله هاشمی (منطقه ۱۰) می‌باشد.

۸- توزیع، نفوذ و فشار گروه‌های مرجع به طور عمده در منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران از نوع اقتصادی و مدنی و در منطقه ۱۰ شهرداری شهر تهران از نوع اجتماعی و مذهبی است.

۲- ویژه‌گی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش

جدول ۲- توزیع نمونه‌های پژوهش / سرپرست خانوارها، براساس متغیرهای زمینه‌ای و شاخص‌های آن‌ها

منطقه ۱۷	منطقه ۱۰	دامنه اندازه گیری		
		شاخص	مؤلفه	متغیر
یافت‌آباد	هاشمی	جنسیت	ساختار	متغیرهای زمینه‌ای (اجتماعی، اقتصادی، قومی) محلّه
%۸۹,۳	%۸۶,۷	سن سرپرست خانوار	اجتماعی	
%۴۹,۶	%۵۵,۰	تحصیلات سرپرست خانوار	سرپرست خانوار	
%۸,۵۱	%۸,۱۱	اشتغال سرپرست خانوار	ساختار	
%۷۰,۲	%۴۷,۴	درآمد ماهیانه سرپرست خانوار	اقتصادی	
%۱,۱۹۴	%۱,۱۴۰	نحوه مالکیت واحد مسکونی	خانوار	
%۶۱,۸	%۷۴,۱	محل تولد سرپرست خانوار	ساختار	
%۴۹,۶	%۵۹,۳	زبان و گویش خانوار	قومی خانوار	
آ	آ			
%۵۶,۵	%۳۵			

همان‌طور که جدول شماره ۲، نشان می‌دهد، محلّه هاشمی زنانه و محلّه یافت‌آباد مردانه است. این قضاوت پژوهشی از مهمترین یافته‌های تمایزی و مقایسه‌ای جمعیت‌شناختی پژوهش حاضر می‌باشد. دلایل این تفاوت معنی‌دار را باید در بافت

جمعیتی، مدالیت‌های آسیب‌زا و یا اشتغال‌زای محله‌ها، فضای شهری (به‌ویژه کالبد شهری) و از همه مهم‌تر در سبک زندگی و به تبع کیفیت زندگی این محله‌ها کنکاش نمود. وضعیت سن، میانگین تحصیلات، میزان اشتغال و درآمد، نحوه مالکیت و ... این محله‌ها نیز حکایت از تفاوت و تمایزات ویژه‌ای دارد که بر رفاه و کیفیت زندگی ساکنان جامعه آماری پژوهش مؤثر است.

۳- توصیف توزیع گروه‌های مرجع و کیفیت زندگی

گونه‌شناسی گروه‌های مرجع در جامعه آماری نشان می‌دهد که عمده گروه مرجع که در محله یافت‌آباد (منطقه ۱۷) نفوذ و شیوع دارد، از نوع و گونه‌های اقتصادی هستند. با وجود این که محل زندگی این گروه‌ها در محله مزبور نیست، اما ساکنان محله یافت‌آباد به این دلیل که در منطقه ۱۷ وضعیت و موضع حاشیه دارند^۱ جذب "این گروه‌ها"^۲ شده و بیشتر، آن‌ها را به عنوان الگو و مرجع رفتاری خویش انتخاب می‌کنند. برخلاف این محله گروه‌های مرجع که در محله هاشمی (منطقه ۱۰) میزان نفوذ دارند، گروه‌های مرجع از گونه اجتماعی و مذهبی هستند که ویژگی‌های سنتی دارند. برخلاف گروه‌های مرجع محله یافت‌آباد، عمده این گروه‌های مرجع در درون منطقه و محله، زندگی می‌کنند. ساکنان محله هاشمی، بیشتر از گروه‌های مرجع اجتماعی و مذهبی تبعیت می‌کنند و آن‌ها را مرجع و معیار قضاوت می‌دانند.^۳

پنج طیف عمده گروه مرجع اقتصادی (تولیدکنندگان، فروشندگان، مغازه و غرفه‌داران، کارفرمایان کارگاهی، دلالان، ...) در محله یافت‌آباد نفوذ دارند. در محله

۱- ساکنان منطقه ۱۷ شهرداری تهران، با این که یافت‌آباد موقعیت ممتاز اقتصادی و شهری دارد، این محله را نماد منطقه محسوب نمی‌کنند و گرایش دارند که محور ابوذر/ فلاح را نماد منطقه خود بدانند، از این روی محله یافت‌آباد در منطقه وضعیت حاشیه‌ای و انزوایی دارد.

۲- گروه‌های اقتصادی مستقر در محله یافت‌آباد به دلیل نیاز به تخصص‌ها و نیروی کار ساکنان محله یافت‌آباد، نسبت به آن‌ها بازتر عمل می‌کنند.

۳- برخلاف محل یافت‌آباد، محله هاشمی هم نماد منطقه ۱۰ است و هم ساکنان‌اش وضعیت حاشیه ندارند.

هاشمی سه گروه مرجع صاحب نفوذ (روحانیون، مداحان، متولیان مساجد و گاه تکیه، ریش‌سفیدان) در صحنه اجتماعی محله، فعال و دارای مرجعیت رفتاری و قضاوتی در نزد ساکنان محله هستند. با توجه به ضریب نفوذ ۶۷ درصدی گروه‌های مرجع اقتصادی در محله یافت‌آباد، معیار قضاوت برای ابعاد ذهنی و کیفیت زندگی اهالی این محله بسیار متفاوت از کیفیت زندگی اهالی محله هاشمی هست که گروه‌های مرجع عمده آن‌ها به طور عموم بیش از ۷۰ درصد گروه‌های اجتماعی سنتی و مذهبی می‌باشد. همچنین یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد گروه‌های مرجع اقتصادی و مدنی منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران از طریق تاثیرگذاری بر مدیریت و برنامه‌ریزی شهری منطقه، بر کالبد و فضای شهری محله یافت‌آباد مؤثر بودند و از این طریق شرایط رفاه، خدمات شهری و بافت‌های مسکونی را برای ساکنان محله به ارمغان آوردند. در صورتی که این وضعیت در مورد گروه‌های مرجع هاشمی جاری نیست.

یافته‌های تبیینی

۱- فرضیه اول

بین متغیرهای زمینه‌ای افراد و انتخاب نوع گروه مرجع آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳- توزیع مقادیر آزمون‌های F و شدت همبستگی R براساس متغیرهای زمینه‌ای و انتخاب

درون و برون گروهی گروه‌های مرجع نمونه‌های پژوهشی

متغیرها	مقدار t برای میانگین دو محله هاشمی و یافت‌آباد	سطح معنی‌داری	شدت همبستگی
متغیرهای زمینه‌ای و انتخاب درون و برون گروه‌های مرجع	۳٫۲۹٪	۰/۰۰۶	۶۵٪

چنان‌چه جدول شماره ۳، نشان می‌دهد، برخی از متغیرهای زمینه‌ای نمونه‌های پژوهشی با میزان تمایل به اولویت انتخاب درون یا برون گروهی گروه‌های مرجع، در سطح ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری و شدت همبستگی‌شان، ۶۵ درصد می‌باشد. افراد مسن‌تر، مذهبی‌تر، با احساس تعلق بیشتر به محله خود و دیرینگی سکونت در محله زندگی‌شان، تمایل بیشتری برای انتخاب گروه‌های مرجع خودی/ درونی داشتند و این تمایل در نزد افراد با سطح تحصیلات بالاتر، احساس حاشیه بودن بیشتر در گروه/ محله خودی و میزان درآمد بیشتر، برعکس می‌باشد. از این روی ساکنان محله یافت‌آباد تمایل به گزینش گروه‌های مرجع غیرخودی (گونه‌های گروه‌های مرجع اقتصادی و تجاری) داشتند و اهالی محله هاشمی به گروه‌های مرجع محله خودشان (گونه‌های گروه‌های اجتماعی و مذهبی) تمایل دارند.

۲- فرضیه دوم

بین میزان نفوذ نوع گروه‌های مرجع در محله‌های پژوهش و کیفیت زندگی و رفاه شهری ساکنان آن رابطه وجود دارد. میزان نفوذ نوع گروه‌های مرجع و قدرت فشار آن‌ها در یک جامعه (محله‌های پژوهش یافت‌آباد و هاشمی) کیفیت زندگی ساکنان آن جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بین کیفیت زندگی و رفاه شهری محلی ساکنان محله یافت‌آباد (کالبد شهری، بُعد اجتماعی و عینی و بُعد روانشناختی و ذهنی) که به طور عمد گروه‌های مرجع اقتصادی را انتخاب کردند، رابطه وجود دارد و این گزاره و تبیین در مورد ساکنان محله هاشمی هم که به طور عمده گروه‌های مرجع‌شان، مذهبی و سنتی است، صادق می‌باشد. میانگین کیفیت زندگی محله یافت‌آباد در همه ابعاد کالبد شهری محله‌ها و ابعاد ذهنی و عینی ساکنانش بهتر از محله هاشمی است. این تفاوت معنی‌دار را آزمون T برای دو جامعه مستقل تأیید می‌کند که نتایج آن در جدول شماره ۴ گزارش شده است. شدت همبستگی این دو بسیار زیاد و ۷۸ درصد است. به عبارت

۲۰ فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۰

دیگر کیفیت زندگی یک محله به شدت تحت تأثیر قدرت راهبردی راهبردی گروه‌های مرجع و ضریب نفوذ آن‌ها در نزد ساکنان محله می‌باشد.

جدول ۴- توزیع مقادیر آزمون‌های T و شدت همبستگی R براساس شدت نفوذ نوع گروه‌های

مرجع در محله و کیفیت زندگی نمونه‌های پژوهشی

متغیرها	مقدار t برای میانگین دو محله هاشمی و یافت‌آباد	سطح معنی‌داری	شدت همبستگی
شدت نفوذ نوع گروه‌های مرجع در محله و کیفیت زندگی	۴,۸۵٪	۰/۰۰۰	۷۸٪

۳- فرضیه سوم

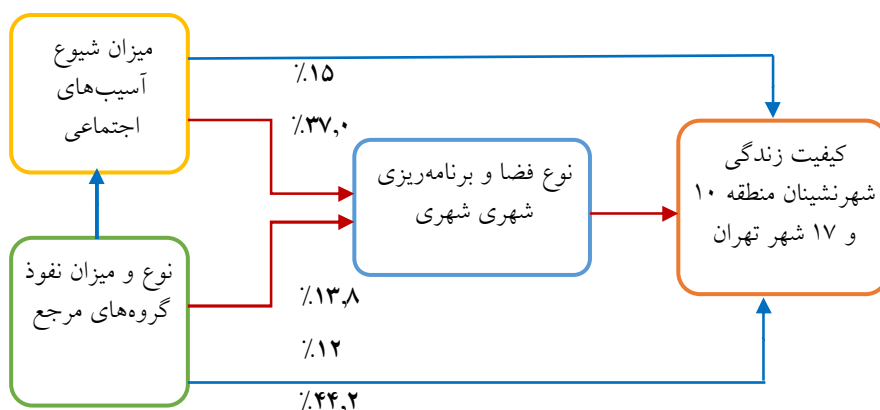
عامل نوع گروه‌های مرجع و شدت نفوذ آن‌ها در محله، از طریق عامل‌های برنامه‌ریزی شهری بر کیفیت فضای شهری با تعدیل میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی، عامل کیفیت زندگی محله را تعیین می‌کند. گروه‌های مرجع چگونه کیفیت زندگی محله‌های شهری را تحت تأثیر قرار داده و میزان آن را تعیین می‌کنند؟ به گواهی یافته‌های جدول شماره ۵، که براساس آزمون مدل علی پژوهش، تحلیل ضرایب مسیر و تحلیل عاملی، تدوین شده است، گروه‌های مرجع در کل؛ به صورت مستقیم ۷۳ درصد و از طریق عامل‌های برنامه‌ریزی شهری برای تغییر کالبد و فضای شهری، افزایش امکانات و خدمات شهری و با تعدیل میزان فضاهای بی‌دفاع شهری و کاهش شیوع آسیب‌های اجتماعی/ شهری (کارتون خوابی، تکدی‌گری، اعتیاد، امنیت زنان، کودکان و ...) به صورت غیرمستقیم ۱۲,۴ درصد واریانس عامل کیفیت زندگی را توصیف و تبیین می‌کنند.

برای روشنی و دقت بخشیدن به اثر عامل‌های مستقل پژوهش حاضر بر روی عامل وابسته پژوهش، تمام عامل‌های پژوهش را در قالب یک مدل علی و با سنجش

ضرایب اثرگذاری عامل‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر روی عامل وابسته سنجش نمودیم که یافته‌های مرتبط با آن در جدول شماره ۵ و شکل شماره ۲، نشان داده می‌شود.

جدول ۵- توزیع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم عامل‌های پژوهش و آزمون تجربی مدل پژوهش

انواع تأثیر			عامل‌ها
کل	غیر مستقیم	مستقیم	
٪۵۶,۲	٪۱۲	٪۴۴,۲	شدت نفوذ گروه‌های مرجع در محله‌های پژوهش
٪۳۷,۱۵	٪۳۷,۰	٪۱۵	میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی / شهری
٪۱۳,۸	-	٪۱۳,۸	کیفیت کالبدی براساس برنامه‌ریزی شهری
٪۸۵,۴	٪۱۲,۴	٪۷۳	کل



شکل ۲- مدل تجربی پژوهش (منبع: پژوهشگر)

بحث و نتیجه‌گیری

اگر کیفیت زندگی را بر هم‌کنشی میان منابع، امکانات، فرصت‌ها و بسترهای فرهنگی و اجتماعی برای تأمین نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، شهری، فردی و ... همچنین

دریافت، ارزیابی و رضایت افراد و گروه‌ها از برآورده شدن نیازهای‌شان براساس برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و رفاهی در محله‌های مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران در نظر بگیریم و از طرف دیگر محله‌ها و نواحی این مناطق را از لحاظ کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی و عینی (سطح خرد اجتماعی) و ساختاری و کالبد فضای شهری (سطح کلان) متفاوت بدانیم، آن هنگام سهم گروه‌های مرجع اقتصادی، مذهبی و اجتماعی در تبیین واریانس آن‌ها و برساختش بسیار زیاد است. گروه‌های مرجع، هم در سطح ساختاری از طریق اثرگذاری بر نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مدیریت شهری با هدف افزایش خدمات و رفاه شهری و هم، با اثرگذاری بر الگوهای اقتصادی و اجتماعی و به ویژه سبک زندگی پیروانشان/ ساکنان محله‌ها و تغییر کنش‌های آن‌ها در سطح کنشی در برساخت کیفیت زندگی شهروندان محله‌های شهری، مؤثر واقع شدند. با توجه به نتایج فرضیه اول پژوهش و در سطح کنشی برساخت کیفیت زندگی و به‌زیستی شهری متأثر از راهبری گروه‌های مرجع، اثر گذاری گروه‌های مرجع بر پیروانشان از طریق نوع انتخاب افراد و ایجاد تغییر در کنش‌های آن‌ها اتفاق می‌افتد. ساکنان یک محله و اجتماع در شرایط خاص خود و براساس متغیرهای خاصی به انتخاب برخی گروه‌های مرجع دست می‌زنند و به آن‌ها گرایش دارند و آن‌ها را برای شیوه و سبک زندگی خویش الگو و معیارهای آن‌ها را برای ارزش‌یابی و جهت اجتماعی‌شان، ملاک قضاوت قرار می‌دهند. از نظر نظریه‌پردازانی چون هیمن، مرتن و مید، میزان حاشیه بودن افراد در گروه‌های عضویت‌شان، شبکه‌های ارتباطی‌شان، برخی متغیرهای تسهیلگر و زمینه از جمله این ویژگی‌ها می‌باشند.

در پژوهش حاضر، رویکرد نظری هیمن، فستینگر و آلیس کیت برای انتخاب گروه‌های مرجع با محوریت شبکه‌های ارتباطی و الگوپذیری گروه‌های پیرو از گروه‌های مرجع در سبک زندگی، کیفیت زیستن و کیفیت زندگی و رویکرد ترکیبی

"مارانس"^۱، "تاموتسو شیبوتانی"^۲ (۱۹۵۵: ۵۶۲) و "فیلیپس"^۳ (۲۰۰۶)، در ارزیابی کیفیت زندگی با محوریت کنشی، عاملیتی و در سطح خرد، گزینش شد و فرض‌های پژوهشی برآیند شده از آن‌ها به شرح زیر با یافته‌های پژوهشی هم‌سوی پژوهشگران مورد نظر، تحلیل و نتیجه‌گیری می‌شود.

چنانچه یافته‌های تبیینی فرضیه دوم و یافته‌های توصیفی حاصل از نتایج و یافته کیفی پژوهش نشان می‌دهند، شبکه‌های ارتباطی ساکنان محله‌ها و این که فرد در کدام شبکه‌های ارتباطی عضویت دارد و شدت این ارتباط و همبستگی چه میزان است، بسیار مهم می‌باشد. آیا در گروه‌ها و شبکه‌های ارتباطی اش نقش فعال و یا حاشیه دارند؟ ساکنان محله یافت‌آباد، به طور عمده در شبکه‌های ارتباطی از نوع اقتصاد محلی که کارگاه‌های مرتبط با میل، پارچه، فروشگاه‌ها و گروه‌های خدماتی مرتبط با این صنایع و... که تمرکز و انسجام بیشتری دارند، شاغل هستند و به صورت روزانه در دل این گروه‌های اقتصادی و شبکه‌های اجتماعی مرتبط با آن‌ها، فعال بوده و ارتباطات پویایی با این شبکه‌ها دارند. در صورتی که ساکنان محله هاشمی به طور عمده و بیشتر متفرق، خارج از محله و یا در قالب فعالیت‌های انفرادی (مغازه‌ها، دست فروشی‌ها و...) شاغل هستند و به لحاظ اقتصادی از انسجام کمتری برخوردارند و بر عکس در شبکه‌های اجتماعی مرتبط با مساجد، تکایا، خانه‌های محله، شبکه‌های اجتماعی سنتی و... فعال و پویا هستند. یافته‌های پژوهشی هزار جریبی (۱۳۹۰: ۷۶)، سرایی و ساروخانی (۱۳۹۵: ۱۵) هم‌سوایی با یافته‌های پژوهش حاضر دارند و هم‌جواری، احساس و جاهت بخشی، معیار سنجش پیشرفت و مهم‌تر، شبکه ارتباطی روزانه در انتخاب گروه مرجع بسیار مؤثر هستند.

1. Marans, W, R
2. Tamotsu Shibutani
3. Phillips, D

کیفیت زندگی افراد، مرهون نوع و میزان نقش‌آفرینی گروه‌های مرجع در زیست اجتماعی‌شان می‌باشد. گروه‌های مرجع به عنوان کنشگران عامل، قادر به برساخت جدیدی از زندگی اجتماعی برای افراد پیروشان می‌باشند. برخی افراد، گروه‌های پیرو و یا اجتماعات محلی چنان راهبری می‌شوند که آسیب‌های اجتماعی محیط و جهان اجتماعی‌شان کمتر می‌شود و کیفیت زندگی‌شان بهتر می‌گردد. اما برخی‌ها بر عکس، نتیجه راهبری گروه‌های مرجع زندگی اجتماعی‌شان موجب افزایش آسیب‌های اجتماعی محیط زندگی و به تبع آن کیفیت زندگی نامطلوب و پایین‌تر می‌شود. میزان نفوذ، کثرت و شیوع گروه‌های مرجع در یک محله و اجتماع، ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی ساکنان آن محل و گروه‌های پیرو را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهشی نیوکمب (۱۹۷۵)، تیکلا و ریشان (۲۰۱۲)، کوبی (۱۳۸۴)، پوراحمد (۱۳۹۱)، زنگنه (۱۳۹۳) و نجات و زبردست (۱۳۸۸) با یافته‌های پژوهشی حاضر هم‌سوایی دارند.

از مقایسه و تطبیق یافته‌های کیفی و کمی پژوهش نتیجه‌گیری می‌شود، باورهای فرهنگی متأثر از راهبری گروه‌های مرجع حاکم در مناطق قلمرو پژوهش، کیفیت زندگی ساکنان این مناطق و محله‌ها را در میدان فضای شهری و از طریق سامان‌دهی و نوسازی کالبد شهری، افزایش خدمات و امکانات رفاهی، تعدیل آسیب‌های اجتماعی شهری، در ابعاد ذهنی و عینی تعریف و تعیین می‌کند. هر چند این اثرگذاری در بُعد ذهنی از بُعد عینی کیفیت زندگی، اثرگذاری و مطلوبیت کمتری دارد. این وضعیت در یافته‌های پژوهشی پژوهشگران هم، مشهود است و شاخص ذهنی کیفیت زندگی بسیار پایین‌تر از شاخص عینی کیفیت زندگی است (رضازاده قرشی، ۱۳۹۴: ۴۹)، به عبارت دیگر شهرنشین‌های برخی مناطق شهر تهران در زندان فقر فرهنگ شهرنشین و تله فقر فرهنگی و فکری محبوس شدند و توان باوری و ایستاری‌شان برای تصویر زندگی مطلوب اندک بوده و قادر به تولید و بازتولید کیفیت مطلوب در زندگی خویش نیستند و در چرخه ناتوانی فرهنگی و به تبع ذهنی گرفتار و دارای نظام معیارین و هنجاری مساعد برای تولید و بازتولید باورهای مطلوب و باکیفیت زیستن نیستند (مهاجری، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

نتیجه‌گیری از یافته‌های فرض سوم و یافته‌های تطبیقی کیفی مرتبط با پرسش‌های نزدیک به فرض سوم نشان می‌دهد، گروه‌های مرجع از طریق تغییرات و برساخت‌هایی که در ساختارهای کالبد شهری از طریق تأثیرگذاری در برنامه‌ریزی اجتماعی، رفاهی و خدمات شهری و همچنین با تعدیل‌هایی که در نوع و میزان آسیب‌های اجتماعی و شهری ایجاد می‌کنند، بر ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی ساکنان یک محل و گروه‌های پیرو، تأثیر می‌گذارند. با توجه به یافته‌های فرضیه سوم و بنا به برخی یافته‌های کیفی مرتبط با آن، عمده‌ترین تأثیر گروه‌های مرجع در برساخت کیفیت زندگی از طریق برساخت‌های کالبد شهری و پایش آسیب‌های شهری هست؛ که تنها از طریق ارزش‌یابی بر هم‌کنشی ساختارها و عامل‌ها می‌توان، تولید و بازتولید و به خصوص تغییرات کیفیت زندگی را در سطوح خرد و کلان و در قلمرو ذهنی و به‌ویژه عینی سنجش کرد. یافته‌های پژوهش حاضر در این مدل علی و تحلیل عاملی با رویکرد نظری و یافته‌های پژوهشی فیلیپس، مارانس و کیت در این مورد هم‌سوئی بسیاری دارند.

در تبیین شفاف‌تر تحلیل مزبور باید تأکید کرد که از نوع نگرش و زمینه‌های فعالیت و همچنین میزان نفوذ، قدرت و تعامل گروه‌های مرجع با مدیران شهری و ساکنان محله‌ها، مدیریت شهری در برنامه‌ریزی‌های شهری و رفاهی‌شان در طراحی فضاهای شهری، تخصیص امکانات و خدمات شهری به محله‌های شهری به شدت از گروه‌های مرجع متأثر هستند. از این روی کالبد و فضاهای شهری، توزیع نوع و کیفیت خدمات شهری و رفاهی، تعدیل فضاهای بی‌دفاع شهری و کاهش آسیب‌های اجتماعی (از کارتون خوابی تا مدالیت‌های مختلف آسیبی، امنیتی و جرم‌زا) موجب بهره‌مندی ساکنان یک محله در بُعد عینی کیفیت زندگی می‌شود.

علاوه بر تأثیرگذاری در سطح ساختاری (خرده نظام گروه‌های مرجع و خرده نظام مدیریت شهری) که موجب تغییر در برنامه‌ریزی اجتماعی محله و ساکنان می‌شود، گروه‌های مرجع با اثرگذاری بر سبک زندگی و برنامه‌ریزی معیشتی ساکنان محله‌ها،

نگرش‌ها و ایستارهای آنان را تغییر می‌دهند (سطح کنشی) و در نتیجه برآیند تغییرات ساختاری و کنشی موجب برساخت جدیدی از کیفیت زندگی برای ساکنان محله‌های هاشمی و یافت‌آباد شده‌اند. بررسی تطبیقی راهبری گروه‌های مرجع در برساخت مزبور با توجه به نوع و نفوذ گروه‌های مرجع در محله‌های یادشده، نشان می‌دهد، نتیجه‌گیری مقایسه و تطبیقی این تأثیر و برساخت برای یافت‌آبادی‌ها برخلاف هاشمی‌نشینان، رفاه شهری و به‌زیستی و کیفیت زندگی مطلوب‌تر و بهتری را موجب شده است.

منابع

- بحرینی، سیدحسین و طبیبیان، منوچهر. (۱۳۷۵)، «مدل ارزیابی کیفیت زندگی محیط‌زیست شهری»، *فصلنامه محیط‌شناسی*، شماره ۲۱ و ۲۲: ۴۱-۵۶.
- بهرامی نژاد، دهقان. (۱۳۸۲)، «شناخت و ارزیابی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرها مطالعه موردی بافت میانی شیراز، (بخشی از محدوده شکل گرفته بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته شهرسازی، دانشگاه شیراز.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۱)، «کیفیت محیط شهری، مطالبه معوقه شهروندان»، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۹: ۶-۱۵.
- پوراحمد، احمد؛ فرجی‌ملائی، امین؛ عظیمی، آزاده و لطفی، صدیقه. (۱۳۹۱)، «تحلیل طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری با روش *SAW*»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۴، شماره ۴: ۲۱-۴۴.
- پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و فتاحی، احداله. (۱۳۹۰)، «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (استان لرستان)»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۷۶: ۱۳-۳۱.
- حاجی نژاد، علی و قادری، علی. (۱۳۹۵)، «تحلیل و ارزیابی نابرابری‌های کیفیت زندگی در محله‌های شهری (نمونه موردی: شهر فارسان)»، *مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، شماره ۲۱: ۱۶۷-۱۷۸.
- خادم‌الحسینی، احمد؛ منصوریان، حسین و ستاری، محمدحسین. (۱۳۸۹)، «سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مورد: شهر نورآباد، استان لرستان)»، *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، سال اول، شماره ۳: ۴۵-۶۰.
- قرشی زاده، رضا. (۱۳۹۴)، «فضای سبز و کیفیت زندگی در شهر تهران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته شهرسازی، دانشگاه یادگار امام تهران.
- رفیعیان، مجتبی؛ عظیمی، مریم و مقدم، حامد. (۱۳۹۱)، «ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی ورونی (نمونه موردی: شهر قدیم لار)»، *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، شماره ۱۶: ۳۳-۴۹.
- زبردست، اسفندیار و حبیبی، سارا. (۱۳۸۸)، «بررسی پدیده پراکنده‌روی و علل آن در شهر زنجان»، *تشریح هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، دوره ۱، شماره ۳۸: ۱۱۵-۱۲۴.

- زنگنه شهرکی، سعید؛ گلین شریف ادیبی، جواد؛ حسن‌زاده، داود و سالاری مقدم، زهرا. (۱۳۹۳)، «تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه کلانشهری تهران (مطالعه موردی: اسلام‌آباد، صالح‌آباد)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۱: ۱۷۷-۱۹۶.
- سرایی، حسن؛ ساروخانی، باقر و آذرخش، اردشیر. (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین هویت اجتماعی با نوع‌گزینش گروه مرجع دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه»، مجله پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره ۲: ۷-۲۶.
- سیروس صبری، رضا. (۱۳۷۸)، «نقش دسترس‌ها در کیفیت زندگی شهری»، نشریه صفا، علمی پژوهشی، دوره ۹، شماره ۲۹: ۵۸-۶۷.
- شاه حسینی، پروانه و توکلی، هانیه. (۱۳۹۳)، «تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی شهری مورد: محله وردآورد منطقه ۲۱ شهر تهران»، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۷، شماره ۲۴: ۱۲۷-۱۴۴.
- شماعی، علی؛ فخری پور محمدی، افسانه و زنگانه، احمد. (۱۳۹۶)، «ارزیابی کیفیت زندگی در مناطق شهری، (مطالعه موردی: منطقه ۱۱ شهرداری تهران)»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۳: ۳۵۷-۳۷۹.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و هاشمی، سید ضیاء. (۱۳۸۱)، «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی با تاکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر»، نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰: ۱۴۹-۱۶۷.
- عباس‌زادگان، مصطفی و رضوی، حامده. (۱۳۸۵)، «اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعه شهری برنامه‌ریزی طراحی محور»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸: ۱۵-۲۲.
- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی‌لویه، عادل. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، تهران: ناشران آگرا و لویه، چاپ هفتم.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا. (۱۳۹۰)، کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی، تهران: انتشارات شیرازه، چاپ دوم.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد. (۱۳۹۳)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، چاپ ششم.

- کوبی، افشین. (۱۳۸۴)، «برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهری در مرکز شهر، مورد مطالعه: پهنه مرکزی شهر خرم‌آباد»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس تهران*.
- گولد جولوس و کولب، ویلیام. (۱۳۹۲)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر پرهام، انتشارات مازیار، چاپ سوم.
- مهاجری، اصغر. (۱۳۹۵)، «مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهر دوستدار کودک»، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران.
- مهاجری، اصغر. (۱۳۹۷)، «بررسی تاثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث و توسعه ادامه بزرگراه یادگار امام جنوب»، دانشگاه تهران، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی.
- نجات، سحرناز. (۱۳۸۷)، «کیفیت زندگی و اندازه‌گیری آن (مقاله مروری)»، *مجله اپیدمیولوژی ایران*، دوره ۴، شماره ۲: ۵۷-۶۲.
- هزار جریبی، جعفر و آقاییگی کلاکی، محمد. (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر بر گزینش گروه مرجع در بین دانشجویان (مطالعه جامعه‌شناختی تغییر گروه مرجع در بین دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان و صنعتی اصفهان)»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۸، شماره ۵۴: ۵۳-۹۸.
- Bohnke, Petra. (2007). "Does Society Matter? Life Satisfaction in the Enlarged Europe". *Social indicators research*, No 87: 189-210.
- Cooley, Charles Horton. (1953). *Social Organization, A Study of the Larger Mind*, New York, Seivbner's.
- Cooley, Charles Horton. (2019). *Social Organization: A Study of the Larger Mind* (Classic Reprint). Paperback – January 18, 2019.
- Hyman, Herbert H, Eleanor. Singer. (1968). *Readings in Reference Group Theory and Research*. New York: Free Press. (eds), London: CollierMacmillan, 1968,
- Lee, Yung.Jaan. (2008). "Subjective quality of life measurement in Taipei", *Building and Environment*, No 43, Issue 7: 1205-1215.
- Marans, W, Robert. Stimson. J, Robert. (2011). Investigating Quality of Urban Life, Theory, Methods, and Empirical Reseach, *Springer Dordrecht Heidelberg London New York*, ISBN 987-94-007-1741-1.
- Newcomb, Theodore, M. (1975) "PeRsonality and social change: Attitude foRmation in a student community". *New YoRk: DRyden PResS. RepRint*, 1957 (Page citations aRe to the RepRint edition).

۳۰ فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۰

- Phillips, David. (2006). *Quality of Life: Concept, Policy and Practice*. London: Routledge Publications.
- Tamotsu Shibutani. (1955). "*Reference Groups as Perspectives*". American Journal of Sociology. Vol. 60, No. 6 (May, 1955), pp. 562-569 (8 pages).
- Teklay,By. Rishan. (2012). "Adaptation and Dissonance in Quality Of Life: Indicators for urban planning and policy making", *Enschede the Netherlands*, march.